

نگاش تفریحات رهاگ خور را توضیح دهید

تاریخش نزدیکه، زود بده بخورن تا منقضی نشده. تازه ناهارها کته می خوردیم و شام ها هم یک شب در میان نیمروی هم زده و املت گوجه می خوردیم که عمرا پول دارها بخورند. خلاصه که به نظر ما، پول دارها یا به قول پدرمان دهک دهمی ها اصلا تفریحات آن چنانی ندارند که چهل برابر تفریحات ماگران تر باشد. تفریحات ما خیلی بهتر است؛ مخصوصا وقتی باد بتری های نوشابه زیر آب دریا خالی می شود و از کنارمان حباب بالا می آید و کلی می خندیم!

و شوهرخاله مان دو ماشینه رفتیم شمال. کنار پارک ساحلی چادر زدیم و از توالی پارک استفاده می کردیم. البته باید از یک ساعت قبل به فکر می بودیم و توی صف می ایستادیم تا وقتی داشت می ریخت، نوبتمان بشود. تازه بیشتر هم بهمان خوش می گذشت وقتی بتری های نوشابه خانواده خالی را به کمرمان می بستیم و توی دریا شنا می کردیم. صبحانه ها هم هرروز شیر می خوردیم، مثل پول دارها. البته یک شب شنیدیم که پدرمان یواشکی به مادرمان گفت: «اینارو تعاونی داده.

پدرمان دیروز داشت درگروه فامیلی استیکر سبد گل با متن «صبح آدینه شما اعضای گروه خجسته باد» می گذاشت که ناگهان فریاد کشید. فکر کردیم فیلتزشکنش قطع شده یا بسته اینترنتش تمام شده است. ولی بعد با صدای بلند برایمان تعریف کرد که کارشناسان گفته اند «دسترسی به سفر برای اقشار کم برخوردار سال به سال کمتر می شود». البته فریاد پدرم برای این نبود. به خاطر این بود که درگروه فامیلی اشتباهی استیکر قلب با متن «دوستت دارم» گذاشته بود. البته خوشبختانه فوراً با جانقش رامنشن کرده بود تا همه فکر کنند برای شوهرخاله مان این استیکر رافرستاده است. بگذریم، در متن آن خبر آمده بود که هزینه تفریحات دهک دهم چهل برابر دهک اول شده است. از پدرمان پرسیدیم دهک یعنی چی؟ پدرمان درحالی که هنوز گوش هایش سرخ بود، گفت: یعنی اگر مردم را تقسیم بر ۱۰ کنی، هر قسمت می شود یک دهک. گفتیم الان دهک ما چند است؟ پدرم گفت دقیق نمی دانم، ولی همان اول هایش هستیم. پرسیدیم خب چه کسانی در دهک دهم هستند؟ پدرمان که دیگر داشت حوصله اش سر می رفت، گفت پول دارها.

این بار با احتیاط پرسیدیم مگر آن ها چه تفریحاتی دارند که چهل برابر دهک مامی شود؟ پدرمان گوشه را گذاشت کنار و گفت: «نمی دونم، ولی توی فیلما دیدم که پول دارا می رن مسافرت، می رن گلف، اسکی، کنسرت...» خب ما هم که اسکی می رویم. زمستان پارسان پدرمان از همسایه مان تیوپ تراکتورش را قرض گرفت و رفتیم کوه سر خوردیم. گلف هم که همان توشله بازی خودمان است که باید تپله ها را توی سوراخ بیندازیم. متخصص کنسرت هم که پسرعمویمان است و از وقتی یک تیمپو خریده است، هر وقت دور هم جمع می شویم، او ضرب می زند و عمو هم آهنگ دیش دیری دیرین می خواند. ما هم تخمه می شکیم و دوانگشتی دست می زنیم تا عمو داد نزند و صدایش خروسکی نشود. تازه ما در تعطیلات نوروز هم به مسافرت رفتیم که خیلی خوش گذشت. با خانواده خاله



صفحه ۴
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳
شماره ۱۰۴

روی خود بوق نصب کنید!



فرهنگ شهروندی
فرهاد ناجی

حتی در زمان مشهود شدن با شعر و ترانه و ادبیات کهن و شعر نیمایی حرف می زنن. دسته دوم کسانی هستن که ادبیاتشون کمی متفاوت و روی خطوط قرمز راه می رن و منتظر می مونن تا طرف مقابل ابتدا از خطوط قرمز پا رو فراتر بذاره و بعد اون ها دنبالشون راه بیفتن. دسته سوم که قریونشون برم، از همون ابتدای امر از خطوط قرمز که هیچ، از خطوط بنفش و مشکی و سیاه (بالا تر از سیاهی رنگی

شاید برای شما هم پیش اومده باشه که خواسته یا ناخواسته شاهد یه جدال و یقه گیری توی خیابون شده باشین. ممکنه به ندرت پیش بیاد، ولی احتمالش وجود داره که یک درصد از این موارد رو دیگران شاهد شما باشن و شما مشهود! کسانی رو که مشهود می شن، می شه به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستن که آدمای خوش اخلاقی محسوب می شن و

نیست) هم ردمی شن و دیگه با ادبیات طرف یا طرفای مقابل هیچ کاری ندارن. آخرین دسته هم دسته چهارم یا سوم پیشرفته محسوب می شن که اگه مقابلشون یک هم دسته ای قرار بگیره، احتمال دست بردن به اسلحه سرد و گرم و لرم هم وجود داره. ما پیشنهاد می کنیم که امروزه همه مردم از هوش مصنوعی استفاده کنن و همیشه توی جیبشون یک پخش کننده موزیک